

خشونت: سیاسی یا جاهلی

○ محسن جم

است.

قابل توجه است که تنها وجه مشترک خوارج، دشمنی با اهل سنت و شیعیان بود و همانند آن دو فرقه، در داخل خود به مرکزیت و استراتژی مشترک و رسمی نرسیدند.

در سدهٔ اخیر که با تشکیل دولت‌های ملی در سرزمین‌های اسلامی، عملاً جدال‌های مذهبی - قبیله‌ای جای خود را به نزاع‌های فکری - سیاسی - حزبی داد، خوارج از پوسته تاریخی خود درآمده و حتی به دفاع برخاستند. عجیب نبود که حتی شیخ سلیمان در کتاب **الخوارج هم اصحاب علی بن ابی طالب** (الجزایر، ۱۹۸۳)، خوارج را از سپاهیان صادق امیرالمؤمنین علی(ع) دانست.

محکومیت فکر خارجگری از سوی شیعیان و سنیان، باعث شد که اخبار آنان به صورتی غرض‌آلود و یک طرفه در کتب کلامی و ملل و نحل سنیان و

شیعیان و همراه با طعن و لعن منعکس گردد.

از نخستین کسانی که به گردآوری اخبار و آثار خوارج پرداخت **ابوالعباس محمد بن یزید مشهور** به مبرد (م. ۲۸۵) بود که آنچنان با علاقه به این کار پرداخت که به قول **ابن ابی الحدید** به خارجی‌گری متهم شد. کتاب **الکامل**: باب **الخوارج** او در سال ۱۹۷۲ م. در دمشق چاپ شد.

از مهم‌ترین منابع خوارج که تاکنون به چاپ رسیده عبارت‌اند از:

○ کتاب **الجواهر المنتقاة** فی اتمام ما اخل به کتاب الطبقات، تألیف **ابوالقاسم بن ابراهیم البرادی** (زنده در نیمه دوم سده هشتم) بی‌تا، بی‌جا (چاپ سنگی)؛

○ طبقات **المشایخ بالمغرب**، تألیف **ابوالعباس احمد الدرجمینی** (م ۶۷۰ هـ)، تحقیق **ابراهیم طلای**، الجزایر، ۱۹۷۴؛

○ کتاب **السیر**، اثر **ابوالعباس احمد بن سعید الشماخی** (م ۹۲۸ هـ)، بی‌تا، بی‌جا (چاپ سنگی)؛

○ **الفرق الاسلامیه من خلال الکشف و البیان**، تألیف **ابوسعید محمد بن سعید الازدی القلهانی**، تحقیق **محمد عبدالجلیل**، تونس، ۱۹۸۴؛

○ کتاب **سیر الائمة** و اخبار هم نوشته **ابوزکریا یحیی بن ابوبکر** (م ۴۷۱ هـ)، تحقیق **اسماعیل العربی**، الجزایر، ۱۹۷۹؛

○ **حركة الخوارج: نشأتها و تطورها الى**

نهاية العهد الاموي

(۳۷-۱۳۲ هـ)

○ **تأليف: لطيفة البکای**

○ **ناشر: دارالطليعه، بيروت، ۲۰۰۱، ۲۳۰**

○ **ISBN: ۹۹۵۳-۴۱۰-۰۱-۱**

بحران خلافت، که درست از نخستین روز پس از درگذشت پیامبر اسلام آغاز شد، ربع قرنی بعد، نخستین قربانی مهم خود را گرفت که کسی جز خلیفه سوم نبود. درست است که بیشتر مخالفان سیاسی خلافت یا به انزوا رفتند و یا در تبعید درگذشتند و یا به ترغیب جنیان از پای درآمدند و کسانی نیز دست از مخالفت شسته، به خلافت پیوستند. قتل خلیفه سوم آغاز جنگ‌های داخلی بین مسلمانان قلمداد

می‌شود که علت اصلی آن کسب منصب خلافت بوده. پس از جنگ جمل که به حذف مدعیان آشکار خلافت انجامید، جنگ صفین به وقوع پیوست که مدعی پنهان خلافت، برای شکست رقیب قدرتمدار، از هر فریب و نیرنگی بهره برد و سرانجام توانست در بحران حکمیت، تفرقه‌ای دائمی بین طرفداران خلیفهٔ زمان ایجاد کند.

خوارج گروه سومی بود که در برابر اکثریت و اقلیت سیاسی جامعه و با هدف دشمنی با هر دو و بازگشت به «لاحکم الا لله» سربرآورد تا خود را از مشکلات پیش روی خلافت برهاند. درست است که عنوان «خوارج» بار منفی خروج از دولت اسلامی را بر خود داشت اما خوارج هیچ تلاشی برای رفع این اتهام و پیوستن به جامعه اسلامی نکردند بلکه با استفاده از خشن‌ترین ابزارهای سیاسی، نه تنها با دولت اسلامی بلکه با جامعه اسلامی به مبارزه برخاستند و طبیعی بود که نتوانستند مدت زیادی دوام آورند. لذا گروه‌های منتسب به خوارج یکی‌یکی از عرصه جامعه اسلامی خارج و به تاریخ پیوستند. تنها گروه منتسب به خوارج که هم‌اکنون باقی مانده‌اند (و البته اتهام‌های سابق را به درستی نمی‌پذیرند) «اباضیه»‌اند که ضمن دست کشیدن از مبارزهٔ مسلحانه علیه جوامع و دولت‌های اسلامی، فقه سیاسی کم و بیش قابل تحمیلی را تدوین و ادامه می‌دهند و اکنون علاوه بر کشورهای شمال و شرق آفریقا، حکومت ظاهراً دینی آنان هنوز در کشور عمان برقرار

و از مهمترین تحقیقات اسلامی درباره آنان عبارت‌اند از:
○ فرقه‌الازرقه: دراسته تحلیلیه و تاریخیه... محمدرضا الدجیلی، نجف، ۱۹۷۳؛

○ آراء الخوارج الکلامیه، عمار الطالبی، ج ۱، الجزایر، ۱۹۷۸؛
○ ادب الخوارج فی العصر الاموی، سهیر القلماوی، قاهره، ۱۹۴۵؛
○ الاباضیه فی موبک التاریخ، علی یحیی معمر، قاهره، ۱۹۶۴؛
○ الاباضیه بین الفرق الاسلامیه، علی یحیی معمر، قاهره، ۱۹۶۷؛
○ الخوارج فی الاسلام، عمر ابوالنصر، بیروت، ۱۹۵۶؛
○ شعر الخوارج، احسان عباس، بیروت، ۱۹۷۴؛
○ قراءه جدیده فی مواقف الخوارج و فکر هم و ادبهم، احمد سلیمان معرف، دمشق، ۱۹۸۸؛

○ ثورة الزنج و قائدها، محمدبن علی، احمد علی، بیروت، ۱۹۹۱؛
○ القرامطه بین الدین و الثورة، حسن بزون، بیروت، ۱۹۸۸؛
○ عمان فی العصور الاسلامیه الاولی، عبدالرحمن عبدالکریم العانی، بغداد، ۱۹۷۷؛

○ البحرین فی صدر الاسلام و اثرها فی حركة الخوارج، عبدالکریم النجم، بغداد، ۱۹۷۳؛

○ الخوارج: تاریخهم و ادبهم، علی جفال، بیروت، ۱۹۹۰؛
○ الخوارج فی بلاد المغرب حتی منتصف القرن الرابع هجری، محمود اسماعیل عبدالرزاق، دارالبیضاء، ۱۹۷۶؛

○ الحركات السریه فی الاسلام، محمد اسماعیل عبدالرزاق، بیروت، ۱۹۷۳؛

○ الفتنة الكبرى من خلال مصادر خوارجیه، منصف قوجه، تونس، ۱۹۹۴؛

○ الخوارج فی العصر الاموی: نشأتهم، تاریخهم، عقائدهم، ادبهم، نایف معروف، بیروت، ۱۹۷۸؛

○ الفتنة: جدلیه الدین و السیاسه فی الاسلام المبکر، هشام جمیعت، ترجمه خلیل احمد خلیل، بیروت، ۱۹۹۲.

و از منابع و پژوهش‌های فارسی، علاوه بر ترجمه‌هایی از کتب و **لهاوزن و احمد علی**، می‌توان به کتاب خوارج در ایران (تا اواخر قرن سوم هجری) تألیف دکتر حسین مفتخری، تهران، ۱۳۷۹؛ خوارج در تاریخ، نوشته **یعقوب جعفری**، تهران، ۱۳۷۱؛ خوارج یا پیوریتنهای اسلام، اثر **جواد بهمنی**، تهران، ۱۳۵۸؛ و علل شکل‌گیری خوارج، تألیف **شکرالله خاکرند**، تهران، ۱۳۷۲ اشاره کرد.

کتاب **حركة الخوارج، نشأتها و تطورها الی نهاییه العهد الاموی (۳۷ - ۱۳۲ هـ)**

در اصل پایان‌نامه دکتري خانم **لطيفة البکای** است که در سال ۱۹۹۶ با راهنمایی **هشام جمیعت** در گروه تاریخ دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تونس از آن دفاع شده است.

کتاب از مقدمه، سه فصل و مؤخره تشکیل می‌شود. نویسنده در مقدمه سؤالات مهمی را مطرح و سعی می‌کند به آنها پاسخ دهد. این پرسشها عبارت‌اند از:

آیا این حرکت، جنبشی انقلابی - مردمی بود یا بدوی - تعصبی؟

آیا این حرکت دینی بود یا سیاسی؟
علاقة این جنبش به خونریزی و خشونت چگونه به‌جود آمد؟
آیا برای وحشت‌آفرینی بر دولت اموی بود یا ویژگی قبیله‌ای - جاهلی، و یا تفسیر ظاهری از آیات قرآن؟

پژوهندگان اروپایی بیشتر بر انقلابی - مردمی - سیاسی بودن این جنبش تأکید دارند و برعکس پژوهندگان مسلمان بیشتر بر بدوی - جاهلی - سطحی‌نگری بودن آنان نظر دارند.
بدون وارد شدن به مسأله، نگاهی به محتویات کتاب می‌اندازیم:

○ فصل یکم: پیدایی جنبش خارجی گری و رشد آن در آغاز حکومت اموی

در این فصل به فتنه کبری و ظهور خوارج (آغازین حرکات خوارج، شورش کوفه، شورش در مناطق دیگر و قتل عثمان، داستان حکمیت، شکاف در سپاه علی، حروراء اجرای حکمیت و خروج خوارج)، برخورد علی بن ابی‌طالب با خوارج (نبرد نهروان، خوارج پس از نهروان، قتل علی (ع) و انتقال حکومت به بنی‌امیه)، جنبش خوارج در آغاز حکومت اموی (توجه امویان به خوارج، سیاست **مغیره بن شعبه** در کندی حرکت خوارج، گسترش حرکت خوارج به بصره، تأثیرات سیاسی امویان بر حرکت خوارج، خاستگاه‌های جغرافیایی، قبیله‌ای، اجتماعی، فکری و تشکیلاتی خوارج) می‌پردازد.

○ فصل دوم: خوارج در خلال فتنه دوم

در این فصل از گسترش فتنه و انشعاب خوارج (از بین رفتن سلطه و آغاز حرکت نوین خوارج، خوارج و ابن زبیر، فتنه و انشعاب خوارج، گروه‌های خارجی)، حرکت‌های خارجی (ازرقه، نجده، خوارج جزیره) بحث می‌شود.

فصل سوم: حرکت‌های خوارج پس از فتنه دوم: سستی در مرکز و تحرك در پیرامون

در این فصل مباحثی چون خوارج بین نظامی‌گری و حرکت فکری - تبلیغی (تشتت حرکت در مرکز و قوت آن در پیرامون، حرکات در بحرین، جزیره، یمن و آفریقا، حرکات فکری، دعوت سری) جایگاه سلطه در حرکات خارجی (خوارج و دیگر معارضان سلطه چون شیعیان، مرجئه، قدریه و معتزله) سقوط دولت اموی و بازگشت شور نظامی به خوارج (فتنه سوم، شورش ضحاک شیبانی در جزیره، شورش **عبدالله بن یحیی کندی** در یمن، شورش شیبان بن سلمه حروری در خراسان) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نویسنده در مؤخره خود سعی می‌کند به سؤالات مطرح در مقدمه پاسخ داده و نتیجه‌گیری کند و البته نتیجه‌گیری او به محکومیت خوارج نمی‌انجامد، او ضمن همراهی با پژوهشگران اروپایی، جنبش خوارج را جنبشی انقلابی - مردمی - سیاسی معرفی می‌نماید. ناشر لبنانی، نشر این کتاب را خالی از مخاطره نمی‌داند اما آن را مخاطره‌ای حساب شده و بلکه مورد قبول برمی‌شمارد. تسلط نویسنده [ظاهراً] تونسی بر منابع اسلامی بسیار عالی و قابل تقدیر است.

کتاب مانند بیشتر کتب جدید چاپ کشورهای عربی، فاقد نمایه می‌باشد.